



حتماً باید با آنان در تعامل باشیم و تجربیات مان را با آنان به اشتراک بگذاریم. می‌کشیم اگر اداره کل هم کمبود بودجه دارد، از دیگر نهادهای دولتی کمک بگیریم. به‌هر حال جشنواره غیررقابتی است. اگر کاری از دیگر کشورها هم نداشته باشیم، فقط به تکرار خود پرداخته‌ایم.

در نشست خبری اولین دوره بین‌المللی تئاتر صاحب‌لان مطرح شد

تعامل هنری با ۲۵ کشور مسلمان

گروه فرهنگی/ محمود فرهنگ دبیر اولین دوره بین‌المللی و دوازدهمین دوره سراسری تئاتر صاحب‌لان در نشست خبری این رویداد از تعامل با ۲۵ کشور مسلمان برای حضور در این دوره خبر داد. فرهنگ در بخشی از این نشست با اشاره به مسیری که این جشنواره تا امروز پشت سر گذاشته، گفت: ما سال‌های سختی را گذرانیدیم. همیشه گفته‌ام که شمعی روشن است و هر آن ممکن بود با طوفانی خاموش شود ولی خوشبختانه به امروز رسیدیم که بنا داریم اولین دوره بین‌الملل تئاتر صاحب‌لان را برگزار کنیم. او ادامه داد: ما در بخش بین‌الملل نگاه‌مان به ۲۵ کشور مسلمان است و با آنها در حال تعامل هستیم و بعضی از گروه‌ها اعلام آمادگی کردند.

این هنرمند درباره تفاوت رویداد تئاتر صاحب‌لان با جشنواره تئاتر آیینی و سنتی اظهار کرد: رویداد تئاتر صاحب‌لان رقابت ندارد، به تولید فکر می‌کند و تفاوتش با جشنواره سنتی و آیینی این است که ما الان به طور جدی به تعزیه

فکر می‌کنیم. ما دل‌مان می‌خواست در جشنواره آیینی و سنتی به تعزیه به طور جدی توجه شود، اما جشنواره آیینی و سنتی در فصلی برگزار می‌شود که تعزیه نمی‌تواند عرض اندام کند.

دبیر دوازدهمین رویداد تئاتر صاحب‌لان بیان کرد: امسال تلاش کردیم تا از ۱۰ استان دیگر گروه تعزیه در شهر تهران دعوت کنیم و البته از ادارات کل بیش از ۱۰ استان دیگر نیز خواستیم تا روستاهایی که فعال‌ترین گروه تعزیه را دارند معرفی کنند این دورویاد را استاید می‌بینند و در اختتامیه تلاش می‌کنیم در بخش‌های مختلف از هنرمندان این حوزه تجلیل و تقدیر شود. فرهنگ با اشاره به بودجه جشنواره اعلام کرد: رقم بودجه بد نیست اما به‌دلیل بین‌المللی شدن جشنواره قطعاً نیازمند مشارکت بخش‌های دیگر هستیم. در زمان آقای شاه آبادی بهترین روزها برای تئاتر صاحب‌لان بود برای اینکه خیلی جدی به صاحب‌لان نگاه می‌کردند و در آخرین روزی هم که رفتند، گفتند من در حق تئاتر صاحب‌لان جفا کردم و

گپ و گفت «ایران» با شمسی فضل‌اللهی
گوینده و بازیگر پیشکسوت درباره «من و عالیجناب فردوسی»

کم‌کاری خودمان را گردن جوانان نیندازیم

مریم شهبازی / شب‌های تابستانی برنامه «راه شب» چندی است که میزبانی «من و عالیجناب فردوسی» را به عهده دارد؛ ویژه برنامه‌ای از رادیو ایران، با اجرای شمسی فضل‌اللهی گوینده، صدایشه و بازیگر پیشکسوت رادیو، تلویزیون و سینما. علاقه‌مندان در این برنامه که هر آماداد، ساعت ۱۰:۳۰ بخشی می‌شود به مدت ۱۰ دقیقه شاهد روایتی ساده اما شنیدنی از قصه‌های شاهنامه هستند. فضلی‌اللهی سال‌هاست در کنار بازیگری به همکاری جدی با رادیو، در زمینه‌هایی نظیر نمایش و اجرای برنامه‌های ادبی مشغول است، از جمله می‌توان به «فرهنگ مردم»، برنامه دیگری از همین شبکه رادیویی اشاره کرد که بنای آن به همت زنده‌یاد ابوالقاسم انجوی شیرازی گذاشته شد و فضل‌اللهی نیز چندین دهه است که گویندگی آن را به عهده دارد. نکات بیشتری درباره «من و عالیجناب فردوسی» را در گپ و گفت امروزمان با این مجری و هنرمند می‌خوانید؛ برنامه‌ای که وی یکی از مهم‌ترین اهداف برای بخش آن را آشنایی نسل جوان با گنجینه‌های ادبی کهن سرزمین‌مان و از طرفی کمک به افزایش حس غیرتمندی درباره وطن و هم‌وطن می‌داند.

■ **از جزئیات برنامه «من و عالیجناب فردوسی» بگویید که شاهد بخش آن به اجرا و گویندگی شما در «راه‌شب» رادیو ایران هستیم.**

بگذارید قبل از هر توضیحی درباره این برنامه، گریزی هرچند کوتاه به سال‌ها قبل داشته باشم، زمانی که تازه بیست و سه سالم شده بود. هنوز آن سال و البته بهتر است بگویم آن روز به خاطر مانده‌ام است. از پدرم هدیه‌ای از شمشند گرفتم و خیلی خوشحال شدم؛ شاهنامه‌ای هفت جلدی و نفیس بود.

■ **تا قبل از آن سراغ شاهنامه رفته بودید؟**
نه، اتفاقاً وقتی چند صفحه‌ای از آن را خواندم تعجب کردم. راستش را بخواهید سر درگم شدم! حتی برای من که بخش زیادی از شبانه‌روز زندگی‌ام به مطالعه می‌گذشت کتاب دشواری بود. به پدرم گلابه کردم که من چطور آن را بخوانم؟ کتاب سخت‌خوانی است. اما کوتاه نیامد و گفت: «تو شروع کن. خودم کمک می‌کنم.» من هم چاره‌ای نداشتم و شروع کردم.

■ **پدرتان در زمینه ادبیات فعالیت داشتند؟**
در این زمینه کار نمی‌کرد اما علاقه‌مند و عاشق سرزمین‌مان بود. از همین بابت نیز مطالعه بسیاری در زمینه ادبیات و حتی تاریخ داشت. مادر هم اینگونه بود و خب بخش قابل توجهی از اشتیاق من به مطالعه از همین فضای فرهنگی غالب بر خانواده نشأت می‌گرفت. بنابراین در مطالعه شاهنامه با مشکل چندانی روبه‌رو نشدم، هر وقت نیاز بود سراغ آنان می‌رفتم. با همان سن کم فهمیدم شاهنامه نوشته‌ای نیست که بتوان یک‌ماهه یا دو ماهه آن را تمام کرد. سعی کردم به‌مرور بخوانم و آن را درک کنم. تازه این در شرایطی است که عاشق کتاب بودم و سراسر اتاق من مملو از کتاب‌هایی بود که وقت و بی‌وقت سراغ‌شان می‌رفتم. شاید باورتان نشود اما از درودیوار اتاقم کتاب می‌ریخت. آن‌قدر که گاهی مادرم گلابه می‌کرد که این چه وضعشه! ولی من هم دست‌خودم نبود. صبح یک کتاب دستم بود، چند ساعت بعد آن را کنار می‌گذاشتم. رمان دیگری برمی‌داشتم. از آن‌هم کار خوشم نمی‌آمد یا آن موقع حس خواندنش را نداشتم می‌گذاشتمش

پرتزهای از «لوسین فروید» نقاش بریتانیایی که توسط «فرانسیس بیکن» دیگر نقاش بریتانیایی نامدار خلق شده است، در یک حراجی ده‌ها میلیون دلار فروخته شد و به گران‌ترین تک تابلو نقاشی «بیکن» تبدیل شد. یکی از تابلوهای نقاشی «فرانسیس بیکن» نقاش بریتانیایی که در آن «لوسین فروید» دیگر نقاش بریتانیایی به تصویر کشیده شده است، در حراجی ساتنیز به قیمت ۵۲ میلیون دلار معادل ۴۰۳ میلیون پوند فروخته شد و رکورد گران‌ترین تک تابلوی نقاشی «بیکن» را شکست. این تابلو نقاشی که «پرتزه لوسین فروید» نام دارد، حدود شش دهه از انظار عمومی پنهان مانده بود و به مدت ۴۰ سال در یک مجموعه خصوصی واقع در اروپا نگهداری شده بود. این نقاشی در روز چهارشنبه برای نخستین بار به مزایده گذاشته شد و کارشناسان ارزش تقریبی آن را ۳۵ میلیون پوند برآورد کرده بودند. «بیکن» این تابلو نقاشی را در سال ۱۹۶۴ بر اساس عکسی از هنرمند هم‌عصر خود نقاشی کرده است. /اِسنا



اشعار آن به شمار می‌آید. البته نه اینکه شعرهای آن خوانده نشود، بلکه باید به ارانه روایت داستانی هم توجه داشت.

■ **چیزی شبیه‌مقاله؟**
به هیچ‌وجه این‌طور نبود که کتابی را برای ابد نیمه‌تمام کار بگذارم.

■ **پس در نهایت هیچ کدام راه‌مانی کردید؟**
نه، فقط اخلاقم طوری بود که هر چند ساعت سراغ یکی از آنها می‌رفتم. ممکن بود در لحظه‌ای خاص از خواندن یک کتاب برای مدتی صرف‌نظر کنم اما همیشه نبود. بگذارید اعترافی کنم. تنها کتابی که هرگز آن را تمام نکردم «آناکارینا» بود.

■ **ادبیات روسیه و فرانسه که از دیرباز میان خوانندگان ایرانی طرفداران بسیار داشته‌اند، می‌بایست با لوستوی خوب‌نبود؟**
باقی آثار لوستوی را همان سال‌ها خوانده بودم، اما نمی‌دانم چرا «آناکارینا» حوصله‌ام را سر برده بود. روند زمانی و اتفاقات رمان را با منطق خردم مقایسه می‌کردم و مدام دچار کلنجار ذهنی بودم که چرا این قدر طول کشید! برای چه فلان کار را کرد؟ بالاخره شاهنامه را تمام کردم اما «آناکارینا» را نه.

■ **در خاطرتان مانده که چه مدتی صرف مطالعه شاهنامه کردید؟**

شاهنامه اثری نیست که بتوان سرسری آن را خواند. راستش بخشی از آن به بعد ازدواج و حتی بچه‌دار شدنم کشید. همین شد که زمان بسیاری گذشت تا بالاخره آن‌طور که پدرم توصیه کرده بود آن را بخوانم و تا حد ممکن هم درک کردم. بعدتر آن را برای فرزندانم هم خواندم. البته به یک‌باره که نه. کم‌کم شروع کردم تا ببینم با آن ارتباط می‌گیرند یا نه. همین تجربه باعث شد بدانم که ارائه قصه‌گونه ماجراهای شاهنامه برای من مناسب نیست. امروز خیلی جذاب‌تر از خواندن صرف

دلم می‌خواهد یک اتفاق خوب بیفتد و همان سال در دوره آقای قادر آشنا بود که از من خواستند ۱۵ گروه شهرستان را دعوت کنیم و مجموعه تئاتر شهر را در اختیارشان قرار بدیم. فرهنگ توضیح داد: ما اگر منقبت خوانی یا علی خوانی ... را در برنامه تئاتر صاحب‌لان قرار می‌دهیم چون آغاز تئاتر صاحب‌لان از قریان تا غدیر است، در این پروسه زمانی باید آثاری که به زمان مرتبط باشد، اجرا شود. صاحب‌لان از قریان تا غدیر آغاز و در دی ماه با فاطمیه تمام می‌شود. در این پروسه ۶ ماهه آثار مرتبط با مناسبت‌ها اجرا می‌شود و تفاوت اصلی با تئاتر آیینی و سنتی در همین است. اواظهار کرد: من دلم می‌خواهد به تعزیه به عنوان هنری که همه عناصر هنری در آن وجود دارد جدی‌تر نگاه شود اما این مجال در جشنواره آیینی و سنتی کمتر برایش پیش آمده است. محمود فرهنگ با اشاره به لزوم تبادل فرهنگی و هنری با کشورهای همسایه در بخش بین‌الملل با توجه به شرایط نرخ دلار و ... هم گفت: کشورهای مسلمان همسایه آثار خوبی دارند که

■ **چرا «من و عالیجناب فردوسی»؟**
برای اینکه فردوسی برای من و در زندگی‌ام عالیجناب است.

■ **در این برنامه رادیویی بر چه بخش‌هایی از شاهنامه متمرکز شده‌اید؟**

در این برنامه، در هر قسمت نکاتی جذاب از شاهنامه را با شنوندگان در میان می‌گذارم. بعد هم چند بیت از اشعار مرتبط با آن را می‌خوانم. رادیو ایران بابت این برنامه زمان کوتاهی در اختیار من گذاشته، باین‌حال عمده تلاشم بر این است که اطلاعات مخاطبان در حیطه ادبیات کهن را حداقل یک پله هم که شده جلوتر ببرم و کمک کنم شناخت بیشتری درباره این شاهکار ادبی پیدا کنند.

■ **با این تفسیر انجام کار دشواری را متقبل شده‌اید، بررسی کل شاهنامه و انتخاب بخش‌هایی که با توجه به مردم‌دوستی برای مخاطب مناسب باشد.**

چقدر خوب که بالاخره کسی درباره دشواری این کار صحبت کرد. اتفاقاً این گلابه‌ای است که دارم. اینکه بسیاری فکر می‌کنند اجرا و بخش چنین برنامه‌هایی کار ساده‌ای است. ای کاش مدیران فرهنگی بدانند که انجام کارهایی از این دست چه سختی‌هایی دارد و در برنامه‌ریزی‌ها، جایگاه جدی‌تری برای آنها قائل شوند. همین‌حالا، برای اجرای این برنامه هر روز ساعت‌های بسیاری صرف خوانش شاهنامه می‌کنم تا هم دست به انتخاب‌های خوبی بزنم و هم اینکه اشعار را بدون غلط بخوانم. اینکه مخاطب در همان مدت کم بداند که در فلان داستان، رستم چه کرد و اصلاً کار او چه پیامی داشت خیلی مهم است.

■ **ساخت و بخش چنین برنامه‌هایی را از چه بابت ضروری می‌دانید؟**

همان‌طور که اشاره شد، بخشی از آنچه در شاهنامه آمده درباره تلاش‌هایی است که برای حفظ سرزمین‌مان شده. مخاطبان باید بدانند که این کشور از ابتدا این‌طور متمدن نبود و سختی‌های زیادی برای دستیابی به شکل امروزش طی شده است. باید بدانیم که بوده‌ایم و حالا کجا ایستادیم تا حتی از این طریق متوجه مسئولیت‌مان در قبال آیندگان شویم. امیدوارم شما و خوانندگان روزنامه ایران با من و عالیجناب فردوسی همراه شوید تا درباره شاهنامه حرف بزنیم و پای ادبیات کهن را بیش از پیش به زندگی‌مان بازکنیم.

■ **وسخن آخر؟**
وقت آن شده که با ظرافت بیشتری این گنجینه‌های ارزشمند را به زندگی‌مان گره بزنیم و از آموزه‌های آنها برای مواجهه سهل‌ترا با دشواری‌های زندگی بهره بگیریم. یکی از کارکردهای شاهنامه خوانی افزایش حس غیرتمندی‌مان درباره وطن و هم‌وطن‌هاست. این طریق هیچ نشانی می‌دهد که بی‌توجهی نسل حق و حقوق‌مان را نمی‌دهد، چرا که می‌دانند ایرانی‌ان از جان و دل برای آب و خاکش می‌جنگد.

نمی‌کردی! شاهنامه مملو از داستان‌های جالب است که در آنها به مضامینی جدی توجه شده، از جمله اینکه سرزمین ایران چطور بنیان گذاشته شده. این نکته بسیار مهمی است که حتی در دیگر نقاط جهان هم به آن توجه دارند و نشان می‌دهد که کشورمان از چه پیشینه‌هایی برخوردار است. اگر اشتباه نکنم همین چند وقت قبل بود که باستان‌شناسان در لرستان، استخوان‌هایی از سیاه‌پوستان آفریقایی پیدا کردند. بسیاری از اولین‌های جهان هم از زادگاه آبا و اجدادی ما شکل گرفته، آنچنان که مشخص شده حتی کشاورزی، برای نخستین مرتبه از ایران شروع شده و به سایر نقاط جهان هم رفته است.

■ **یعنی پنا بر ضرورت‌هایی نظیر تقویت حس وطن‌دوستی سراغ این اثر کهن رفته‌اید؟**

بله، این یکی از دلایل مهمی است که برنامه رادیویی «من و عالیجناب فردوسی» پیرامون آن شکل گرفته. نوجوان و جوان امروزی باید از راه‌های مختلف همچون بهره‌مندی از ادبیات کهن در جریان داشته‌های سرزمین‌مان قرار بگیرد و همان‌طور که گفتید عرق وطن‌دوستی بیشتری پیدا کند.

■ **از این بابت که شاهنامه نوعی رزم‌نامه ملی و دربردارنده بخشی از تاریخ ایران است آن را مناسب تقویت حس وطن‌دوستی و مواردی از این دست می‌دانید؟**

بله، همین مسأله شاهنامه را به اثری مهم تبدیل کرده، اینکه می‌دانیم شاهکار بزرگ و جهانی فردوسی حاصل تخیل وی نیست. نباید فراموش کنیم که فردوسی با توجه به اطلاعات تاریخی موجود در زمانه‌اش این حماسه منظوم را خلق کرده، مخصوصاً که آن زمان تاریخ‌نویسی به شکل امروز رایج نبوده! بگذارید مجدد به چند سؤال قبل بازگردم. آنجا که از چند جوان درباره شاهنامه پرسیدم و آنان گلابه کردند که دشوار است، گفتم اگر کسی شاهنامه را به زبان ساده‌تر بخواند سراغ آن می‌رود؟ همه‌شان تأکید کردند که بله. همین ماکلمه کوتاه نشان می‌دهد که بی‌توجهی نسل جوان نسبت به این قبیل آثار به‌خاطر کم‌کاری ما اهالی فرهنگ است. تا وقتی برای ارائه آنها

خبرهایی تازه از دنیای موسیقی

۲



پرتزهای از «لوسین فروید» نقاش بریتانیایی که توسط «فرانسیس بیکن» دیگر نقاش بریتانیایی نامدار خلق شده است، در یک حراجی ده‌ها میلیون دلار فروخته شد و به گران‌ترین تک تابلو نقاشی «بیکن» تبدیل شد. یکی از تابلوهای نقاشی «فرانسیس بیکن» نقاش بریتانیایی که در آن «لوسین فروید» دیگر نقاش بریتانیایی به تصویر کشیده شده است، در حراجی ساتنیز به قیمت ۵۲ میلیون دلار معادل ۴۰۳ میلیون پوند فروخته شد و رکورد گران‌ترین تک تابلوی نقاشی «بیکن» را شکست. این تابلو نقاشی که «پرتزه لوسین فروید» نام دارد، حدود شش دهه از انظار عمومی پنهان مانده بود و به مدت ۴۰ سال در یک مجموعه خصوصی واقع در اروپا نگهداری شده بود. این نقاشی در روز چهارشنبه برای نخستین بار به مزایده گذاشته شد و کارشناسان ارزش تقریبی آن را ۳۵ میلیون پوند برآورد کرده بودند. «بیکن» این تابلو نقاشی را در سال ۱۹۶۴ بر اساس عکسی از هنرمند هم‌عصر خود نقاشی کرده است. /اِسنا

فرهنگ و هنر

رکوردشکنی پرتزهای از فروید

۱



«تارون اجرتون» که یک بار در نقش «سرتون جان» بازی کرده، احتمالاً در فیلم بعدی این یک شخصیت نمادین دیگر یعنی «لوگان» را تصویر خواهد کرد. در همین رابطه، تارون اجرتون تأیید کرده در حال مذاکره با مارول است تا در نقش «ولورین» ظاهر شود. تارون اجرتون گفته شاید جانشین احتمالی هيو جکمن در نقش «ولورین» باشد. وی در مصاحبه‌ای آنلاین با نیویورک تایمز گفته با مدیران مارول استودیو ملاقات کرده تاراه هيو جکن را به عنوان ولورین بعدی دنبال کند. اجرتون که در دو فیلم اول «کینگزمن» بازی کرده، گفته: «هم هیجان‌زده هستم و هم می‌ترسم زیرا هيو جکمن آن قدر با این نقش ارتباط دارد که انجام آن را برای هر بازیگر دیگری واقعا سخت می‌کند.» هيو جکمن که سال ۲۰۱۶ با اجرتون در «ادی عقاب» همکاری بود، آخرین بار سال ۲۰۱۷ در فیلم «لوگان» در نقش یکی از اعضای ایکس من بازی کرد. وی نزدیک به ۲ دهه در این نقش ظاهر شد. در درام جنایی آمریکایی «پرنده سیاه» که بزودی بخش می‌شود، ری لیوناهم از دیگر بازیگران است. این سریال آخرین پروژه تلویزیونی لئوناست که چندی پیش از دنیا رفت. /مهر

انتخاب جایگزین هيو جکمن در «ولورین»

۳

اهالی موسیقی و علاقه‌مندان آن روز پر خبری را پشت سر گذاشتند. از یک سو شاهد انتخاب حامد جلیلی به عنوان مسئول دفتر سرود اداره کل موسیقی بودند و از سوی دیگر خبر اجرای ارکستر سمفونیک تهران به رهبری حامد گارسجی به میزبانی تالار وحدت منتشر شد. بنابر خبر روابط عمومی دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با حکم محمد الهیاری، مدیر کل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، حامد جلیلی مسئول دفتر سرود این اداره کل شد. گفتنی است که حامد جلیلی از فعالان عرصه موسیقی آیینی و سرود به شمار می‌رود و از سال ۸۲ تا امروز بیش از ۲۰۰ قطعه موسیقی را تولید کرده و قطعه‌هایی چون «به من رحم کن»، «باران دوازدهم» و «زیارت» را می‌توان جزو کارهای شاخص جلیلی برشمرد. اما بنابر خبر دیگری قرار شده ارکستر سمفونیک تهران به رهبری حامد گارسجی طی دو شب در تالار وحدت به صحنه برود. آن‌طور که در گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل بنیاد رودکی آمده، ارکستر سمفونیک تهران به رهبری این هنرمند، پنجشنبه و جمعه ۳۰ و ۳۱ تیر ماه ساعت ۲۱:۳۰ در تالار وحدت به صحنه می‌رود. نامزدی دریافت جایزه مسابقه رهبری ارکستر آلمان در سال ۲۰۱۷ و کسب مقام پنجم در مسابقه رهبری ارکستر آتال دوراتی در کشور مجارستان، رهبری ارکستر جوانان و تسلا، رهبری ارکستر در فستیوال‌های Music Festival Klasse Dage Denmark و Achtrücken Musik Festival Köln (contemporary) دیگر سوابق گارسجی هستند.